

# ضرب‌المثل‌های سیوندی

جلد دوم

م. ین آزاده

شیراز

بنیاد فارس‌شناسی

۱۳۹۵

سر شناسه : آزاده، حسین، ۱۳۲۸-

عنوان و نام پدیدآورنده: ضرب المثل های سیوندی / حسین آزاده.

مشخصات نشر : شیراز: سیوند، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص.

شابک : ج. ۱: ۹-۵۳۹-۱۹۲-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲: ۲-۱۵-۷۹۲۰-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

ادداشت : ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیبا).

وضع : ضرب المثل های سیوندی

موضوع : ضرب المثل های سیوندی

موضوع : سیوند

شناسه : بنیاد فارس شناسی

رده بندی کتاب : ۱۳۹۴ ۸۵۴/س PIR۳۲۷۶

رده بندی دیوید : ۴۹/م

شماره ی کتابشناسی : ۳۹۴۵



شیراز، خیابان لطفعلی خاں رند، کوچه ۲۴، پلاک ۱

تلفن: ۳۲۲۲۰۲۹۷ (۰۷۱) صندوق پستی: ۷۱۳۶۵-۱۱



ضرب المثل های سیوندی

جلد دوم

حسین آزاده

صفحه آرا: محبوبه جدی، طرح جلد: محمد مهدی رودکی

لیتوگرافی و چاپ: دنیا، تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۲۰-۱۵-۲

حق چاپ محفوظ است.

بهای کتاب همراه با لوح فشرده: ده هزار تومان

## سخن نخست

فرهنگ شفاهی، نقشی مهم در بازشناسی هویتی هر جامعه‌ای دارد. ضرب، مثل‌ها جزئی از فرهنگ شفاهی مردم است که می‌تواند به روشنی ساختار فکری و استدلالی آنها را نشان دهد و آرزوها، ارزش‌ها، هنجارها و معیارهای سنجش امور در نزد آنان را باز نماید. ضرب‌المثل چکیده نگرش مردم درباره موضوعات، متفاوت است و می‌تواند موضوعی جذاب برای مطالعات مردم‌شناسی و فرهنگی باشد.

سیوند به دلیل شرایط خاص تاریخی و جغرافیایی به یک جزیره زبانی در اقلیم فارس بدل شده است. این منطقه دارای گویش ویژه‌ای است که توجهات بسیاری را برانگیخته است. برخی پژوهشگران معتقدند که زبانی که هم اکنون مردم سیوند با آن سخن می‌گویند، بازمانده زبان هلوی میانه با واژگانی از پارسی باستان (هخامنشی، مادی و اوستایی) است. تفاوت‌های موجود میان زبان و گویش‌های غربی ایران و گویش سیوندی این فرضیه را تقویت می‌کند که مردم سیوند روزگاری در جایی در غرب ایران ساکن بوده‌اند و از آنجا به مکان کنونی آمده یا کوچانده شده‌اند. بنابراین در گویش مردم این منطقه با دیگر مناطق فارس نوعی تفاوت ملموس وجود دارد که به تحقیقات چندی انجامیده است. حسین آزاده از جمله پژوهشگرانی است که سال‌ها به بررسی و تحقیق در این باره پرداخته است. او پیشتر بخشی از ضرب‌المثل‌های این منطقه را در یک مجلد به زیور طبع آراسته است. آنچه پیش رو دارید بخش دیگری از ضرب‌المثل‌های سیوندی به همراه پاره‌ای توضیحات است. در این جا نیز

پژوهشگر محترم با وسواسی ستایش برانگیز به بحث درباره ضرب‌المثل‌های سیوندی پرداخته و نکات مبهم را روشن نموده است.

بنیاد فارس‌شناسی بنا به رسالتی که بر دوش دارد تلاش می‌کند تا از آثاری که به طور جدی به پژوهش و تحقیق در فرهنگ مردم فارس اقدام کرده‌اند، حمایت کند. حاصل این تلاش انتشار مجموعه آثاری است که به معرفی بیشتر مناطق مختلف فارس می‌انجامد. امید است که این تلاش تسویری اجمالی از فرهنگ مردم فارس را برای نسل‌های آتی به ارمغان گذارد تا امکانات کافی جهت بررسی‌های دقیق‌تر در مورد فرهنگ مردم این خطه وجود داشته باشد.

دکتر منصور طبیعی

مدیر بنیاد فارس‌شناسی

## مقدمه

در مقدمه جلد اول ضرب‌المثل‌های سیوندی، شرحی از محل جغرافیایی، مشاغل، آثار باستانی و... از گذشته و حال سیوند به آگاهی خوانندگان گرامی رسید. اکنون مختصری از آن مقدمه با مقداری حذف و اضافات تقدیم می‌شود.

## زبان

زبان امروز مردم سیوند، بازمانده زبان پهلوی میانه با واژگانی هخامنشی، مادی و اوستایی است. آنچه مردم سیوند را از روستاهای همجوار متمایز می‌کند و سیوند را مانند یک زبان در استان فارس بلکه در گستره ایران بزرگ نشان می‌دهد، همین زبان باستانی است.

قوم سیوند، مهاجر بوده‌اند. این که در به زبان به این منطقه کوچ کرده‌اند، هنوز به درستی معلوم نیست. اما بخشی از این قوم در زمان صفویه به سیوند کوچ کرده یا کوچانده شده و احتمال دارد به بخشی دیگر که پیش از آن در این محل مستقر شده بودند، پیوسته باشند.

به عقیده زبان‌شناسانی مانند آندریاس<sup>۱</sup> کریستن سن، کلمان و مارکووک و... زبان سیوندی از نظر لهجه‌شناسی به گروه گویش‌های ایرانی شمال غربی مربوط می‌شود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> Christensen.

<sup>۲</sup> هنگامی که دوره‌ی دیورستان را می‌گذراندم، پیر لکووک «pierre lecoq» در سیوند مشغول تحقیق بود. پرفسور ریچارد فرای، ایران‌شناس ←

طبق تحقیقات نگارنده با توجه به اشتراک زبانی بین سیوند و دیگر مناطق ایران، بیشترین واژگان مشترک یا دارای ریشه مشترک بین سیوندی و گویش هورامی وجود دارد و پس از آن با گویش لکی و زازاکی. با دیگر گویش‌ها از شمال، مازنی، از جنوب، دشتستانی و از مرکز با ایبانه تا حدودی اشتراک موجود است.

### ضرب‌المثل

یکی از جلوه‌های فرهنگ مردم هر قوم و شهر و دیار ضرب‌المثل است. جمله‌ای کوتاه، آخیر و پندآموز که به دلیل زیبایی کلام و برآمدن از دل‌ها، بر دل‌ها نشسته و از دیر تا کنون به گونه‌ای شفاهی مورد استفاده و گاهی مورد استناد مردم قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد اکثر ضرب‌المثل‌ها با طنز و طبعیت آمیز هستند و کمتر مثلی را می‌توان یافت که از صنایع بدیع شاعرانه مانند ایهام، استعاره، کنایه و... که تصویری از موضوع را نشان می‌دهد، تهیه شده است. اگرچه به درستی گفته‌اند که اندرز تلخ است، اما ضرب‌المثل‌ها با گزیده‌خویی و ابجاز در کلام همراه با خصوصیات شاعرانه و چاشنی طنز، چنان معجونی از شیر و عسل ساخته و چنان موسیقی خوش آهنگی را تنظیم کرده است که کارگزاران را شیرین و گوش شنونده را نوازش می‌کند. راز ماندگاری ضرب‌المثل که از دیرباز تا کنون

بزرگ، در جلسه‌ای می‌گفت: قوم سیوندی یا بخشی از آن‌ها تا زمان اشکانیان در شمال غرب ایران زندگی می‌کرده‌اند. ییلاق و قشلاق آن‌ها از حوالی مرز ارمنستان تا سیمره کهن بوده و احتمالاً این زبان در آن دوران و در آن مناطق رایج بوده است. ایشان بر این باور بود که زبان سیوندی قدیمی‌ترین زبانی است که از دوران باستان باقی مانده و هنوز رایج است.

در گستره ایران عزیز، نانوشته بر مسند حافظه‌ها نشسته در این خصوصیات است.

### زبانزد

از دیگر جلوه‌های فرهنگ مردم، زبانزد است. عباراتی کوتاه‌تر از ضرب‌المثل با درونمایه‌های مختلف که از «چاق سلامتی» تا دعا و نفرین را در بر می‌گیرد. فراوانی مثل‌ها و زبانزدها، در عین زیبایی‌های ظاهری و درونمایه‌های فرهنگی همراه با گوناگونی‌های گویشی، نشان از طبع طناز، اندیشه‌گرا و شاعرانه نیاکان بلندآوازه ما ایرانیان دارد.

### یک تجربه دلنشین

از آنجا که در طول عمر شدت و شش‌ساله خود، بیشتر اوقات فراغت را به طبیعت گردی و معاشرت با روستاییان و عشایر گذرانده‌ام، به تجربه دریافته‌ام که مردم هر چه از شهرها و مظاهر زندگی‌امروزی دورتر باشند، شاعرانه‌تر و با رمز و راز بیشتری سخن می‌گویند. کمتر اتفاق می‌افتد که با شخصی میان سال به بالا چه روستایی و چه عشایر، درباره موضوعی گفتگو کنید و آن شخص در خلال سخنان خود از مثل و زبانزد استفاده نکند. در بیان هر موضوعی، از مظاهر طبیعی و چیزهایی که روزمره با آن‌ها در کار دارند، تصویر گرفته و به موضوع مورد بحث تعمیم می‌دهند. این است که گفتارشان شنیدنی و دلنشین است.

### تأثیرپذیری از فرهنگ و زبان معیار

فرهنگ و زبان اقوام مختلف بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد، زبان سیوندی نیز به تدریج تحت تأثیر فارسی معیار قرار گرفته به گونه‌ای که بسیاری از واژگانی

که امروز به کار می‌برند، فارسی و حتی به تبعیت از شهرنشینان و استفاده از اینترنت، واژگان خارجی است.

بسیاری از ضرب‌المثل‌ها و زبانزدهای رایج بین اقوام متفاوت با گویش‌های مختلف ریشه مشترک دارند. بسیاری از آن‌ها نیز مخصوص و منحصر به قومی خاص هستند که در آن‌ها از واژگان و عباراتی استفاده می‌شود که حاملِ خصایص جغرافیایی، تاریخی و نوع زندگانی آن قوم و دیار هستند.

مثل‌هایی که اختصاص به سیوند دارند، از نظر کمیت قابل توجه است. چنان که در جلد اول ضرب‌المثل‌های سیوندی و کتاب حاضر قابل مشاهده است، بیشتر مواردی که در این اثر گردآوری شده مخصوص و منحصر به سیوند است. این زبان چند نوعی ریشه‌دار است که به واژگان وارداتی نیز شکلی محلی داده و نشانه‌های زبان سیوندی را بر آن‌ها بار کرده است. برای مثال: مجلس به مگلس، گالن به گلان یا گان به کجوا تبدیل شده است.

شاید بخشی از مثل‌های وارداتی که به خاطر تبدیل واژگان آن‌ها به واژگان باستانی سیوندی، و نیز واژگان وارداتی که از نظر ریخت‌شناسی، شکلی سیوندی به خود گرفته و در این زبان قدرتمند حل شده است،<sup>۱</sup> برای زبان‌شناسان گرامی جالب باشد.

### مقایسه چند مثل فارسی با سیوندی

در مثلی فارسی داریم که: «گاومان زایید». همین مثل در سیوندی با اغراق و بزرگنمایی بیشتری همراه است: «حرما زیان گوسله ش اوردان». یعنی خرمان زاییده، گوساله آورده است.

<sup>۱</sup> بنا به ذوق من می‌سیند شده‌اند.

در فارسی داریم که: «فلانی دُم دارد». یعنی که مکار و حيله گر است. اما در سیوندی گفته می‌شود: «فلانی دُم داره، یه کُله دمبی هم شیشین». یعنی فلانی (نه تنها) دم دارد (که) یک دم کوچک هم زیر دمش (پنهان) است.

در فارسی داریم که: «خیلی شور اش می‌کند». یعنی موضوع را شدید و غلیظ می‌کند. اما در سیوندی گفته می‌شود: «خرما نیمیک می‌گره». یعنی حتی خرماي شیرین را هم با نمک زدن شور می‌کند.

### ضرب‌المثل‌های سیوندی

اثر پیش از نه - الوطی از ضرب‌المثل و زیانزد است، علاوه بر شاخصه‌های سایر ضرب‌المثل، از به خاطر واژگانی که از زبان پهلوی، مادی، اوستایی و... در این زبان باقی مانده می‌تواند مورد استفاده زبان‌شناسان، باستان‌شناسان و دیگر پژوهشگران قرار گیرد.

سعی داشتیم که ترجمه متل‌ها با اصل، تقارن داشته باشد. اگر چه این روش به دلیل بعضی جابجایی‌های فاعل، فعل و مفعول به نثر فارسی متن زیان می‌رساند، اما در این شکل از ترجمه، معنای واژگان بهتر تفهیم می‌شود. علاوه بر این بعضی تفاوت‌ها بین دستور زبان سیوندی با فارسی و یا بیشتر نمایان خواهد شد.

توجه پژوهشگران را به این نکته جلب می‌کنم که کسره متصل به نام‌ها، در زبان سیوندی به دوشکل «ی» نسبت برای مذکر و «آ» نسبت برای مؤنث است. مثال: ژنا فلانی (ژن+آ)؛ زن فلانی؛ میردی گرد (میرد+ی)؛ مرد بزرگ. درباره حیوانات و چیزهای بی‌جان نیز که از قدیم قایل به جنسیت برای آن‌ها بوده‌اند نیز به همین شکل - البته با استثناهایی - به کار می‌رود. برای مثال: ماری سیه (مار+ی)؛ مار سیاه، فلا دیوار (فل+آ)؛ سوراخ دیوار. (آ) نشانه مؤنث

و (ی) نشانه مذکر می باشد. تُلی شوره ای (تُل+ی)، گودا گِلِه ی (گود+آ) ملاحظه می فرمایید که حتی برجستگی و فرورفتگی های طبیعی در سطح زمین نیز نشانه های مذکر و مونث می گیرند. خوراکی ها، میوه ها و درختان میوه دار با استثنای ماده محسوب شده مگر که شکل خاصی داشته باشند که نشانه مذکر بگیرند. مثال: سوآگلاب: سیب گلاب، گلابیا عباسی: گلابی عباسی، گو: وا قاعاذی: گردوی کاغذی. اما درختان بدون میوه نر محسوب می شوند: چناری مَچَت: (چنار مسجد)، اِسپیداری بَدَات: (سفیدار بد ذات). همچنین: بالنگی سَیَند: سیر سیوند، بازرنجانی آوَرَقو: بادمجان ابرقو، خیار و بادمجان مذکر پنداشه می شوند حتی واژگان وارداتی یا نام مصنوعات جدید نیز نشانه های زبان سیریدی به خود گرفته اند. مانند: تفنگا مه: تفنگِ من، فشنگی ته: فشنگی تو. ملاحظه می فرمایید که تفنگ ماده و فشنگ نر پنداشته می شود. از جمله نشانه های بارز در گیش سیوندی، تلفظ حروف (ح، ه، ع) می باشد که بر خلاف تلفظ عربی به شکلی تقریباً غیر مألوف است تا جایی که می توان گاهی آن ها را نادیده گرفت. مثلاً عبارت (یعنی پنه) را (پانی چه) تلفظ می کنند. این گونه حروف را با کشش حرف ماقبل ادا می کنند. همین اساس و با توجه به جدول نشانه های آوایی، به جای این حروف حمزه قرار می ده است و هرگاه اصل این حرف ها استعمال شده به این خاطر است که از نظر زبانی چاره ای دیگر برای انتقال نبوده است.

بیشتر نام های مختوم به (ه)، در این زبان با تبدیل (ه) به (آ) ختم می شوند. مثال: سرکه به سرکا، ترکه به ترکا، خمره به خمرآ، کوزه به کیزآ، پسته به پِسا و... حتی (ح) و (ه) در اول بعضی واژگان به (آ) تبدیل می شوند مانند هسته به آسه و حالو (دایی) به آلو، هرگاه حرفی از آخر واژه حذف شود، حرف ماقبل، مشدد می شود. مانند هسته و آسه، گس (زشت) که گست بوده است. هر جا در

زبان فارسی (آب) (آو) و (اَب) موجود است، در این زبان به او ow تبدیل می‌شوند. تبدیل (و) و (ب) فراوان و نیز در بسیاری از واژگان، (و) تبدیل به (ی) می‌شود مانند دود و دید، نوش و نیش، دور و دیر، موش و میش، آلو و آلی. تبدیل (خ) به (ف): خُشک به فِشک، خوردن به، فاردن، خواب، به فرم، خون و فین که تبدیل شگفت‌انگیز (خ) و (ف)، مانند (خورنه و فرنه) را نیز در بردارد. همچنین سایر تبدیل‌ها که در این اثر و نیز واژه‌نامه گویش سیوندی می‌توان دید.

نشانه دیگر تلفظ حرف (ق) و (غ) است که برخلاف تلفظ فارسی کاملاً از یکدیگر مجزا است. در سیوندی از بیخ گلو با شدت تلفظ می‌شوند. تفاوت تلفظ این دو حرف نیز در جدول نشانه‌ها و در آوانگاری لحاظ شده است. در گویش سیوندی، نشانه مذکوبی (آ) می‌باشد که همان (را) در فارسی است (آ). زمانی تبدیل به (را) می‌شود که واژه پیش از آن به (e) و (â) ختم شود.

## پیشینه کار و روش گردآوری

در یکی از نشست‌هایی که با حضور پروفیسور ریچارد فرای برگزار شده بود حضور داشتیم - وقتی او، متوجه شد که من از اهالی سیوند هستم، مرا به گردآوری و ثبت و ضبط واژگانی که بزرگسالان سیوندی در مکالمات به کار می‌برند، تشویق کرد. به خصوص تأکید کرد که در کنار رشته تخصصی الکترونیک، هر چه می‌توانم از قصه، مثل، زبانزد، ترانه‌های کار و آداب و رسوم این قوم حتی نفرین‌ها و دشنام‌ها را گردآوری کنم.

من از خود کمی به قصه‌های عامیانه علاقمند بودم و مثل و مثل‌های فراوانی در حافظه خدایم بجا مانده بود. اما پس از توصیه‌ی فرای، تمام اوقات فراغت را به یادداشت‌های روزانه و (از دوره دانشجویی به بعد) ضبط روی نوار کاست گذراندم و هر آنچه توانستم از فرهنگ مردم مرودشت و شهر و روستاهای اطراف تا سرحد باصغری و چهاردانگه ثبت و ضبط کردم. مرکز همه این کارها سیوند بود.

گاهی اتفاق می‌افتاد که با یکی از ریش‌سفیدان قوم برای ضبط قصه یا پرسش درباره آداب و رسوم مختلف وارد گفتگو می‌شدم، درمی‌یافتم که تا چشم آن شخص به دستگاه ضبط صوت می‌افتد، تغییراتی به داده و خود را جمع و جور می‌کند. این حالت را در مباحث روش‌شناختی *hâwthron* (هاله‌ای) می‌گویند. نوعی واکنش است که به واسطه آن کسانی که مورد تحقیق قرار گرفته‌اند، عملکردشان تغییر یافته و یا جنبه‌هایی از رفتارشان را که می‌دانند بر روی آن‌ها مطالعاتی در حال انجام است، اصلاح می‌کنند. برای رفع این مشکل، ناچار دستگاه را خاموش کرده و مطلب را گوش می‌دادم. به تدریج تغییر روش داده و دستگاه را پنهانی روشن می‌کردم. هم اکنون مجموعه‌ای از نوارهای کاست را روی سی‌دی منتقل کرده و به عنوان سند در اختیار دارم.

اکنون چهل و پنج سال است که همزمان با طبیعت‌گردی و همنشینی با کهنسالان از هر روستا و قبیله عشایری ادامه داده و اوقات فراغت را به دسته‌بندی و تدوین کتاب‌ها می‌گذرانم. با این که خود سیوندی و یکی از ریش سفیدان محسوب می‌شوم، باز هم برای اطمینان کامل از تلفظ درست بعضی از واژگانی که مورد اختلاف است، به صداهای ضبط شده مراجعه می‌کنم. این موضوع را به این خاطر یادآور شدم که توجه بعضی جوانان سیوندی را که با لهجه سخن می‌گویند، به تلفظ درست این گویش جلب کنم.

هنوز کسانی هستند که بعضی از قصه‌گویان و افراد خوش قریحه‌ای که تعدادی از آن‌ها پدر بزرگ من هم سال بوده‌اند را به یاد دارند. من بدین وسیله یاد و خاطره آن عزیزانی را که فرهنگ عامه قوم ما را سینه به سینه زنده نگاه داشته‌اند، گرامی داشته‌ام. شادی روح آن گنجینه‌های فرهنگ را از خداوند بزرگ خواستارم. در اینجا هم می‌دانم نام چند تن از کسانی را که منبع اصلی ثبت و ضبط زبان سیوندی بوده‌اند، ذکر کنم.

یکی از قصه‌گویانی که دونسل پیش از ما زندگی می‌کرد و در زمان کودکی من دارفانی را وداع گفت، مرحوم حسین خان محمداید، بزرگ فامیل پیشقدم) نام داشت که دیگران از او نقل قول می‌کردند. مرحوم میرزا علی اسلامی (کامیرزلی) که از کودکی تا سی سالگی با او چه دره زبانی و چه در شب‌نشینی‌ها همدم بودم. مرحوم مهدی احمد یوسفی که عموی ما هم بود و بهترین گویش‌وری بود که پیر لکوک بین همه سیوندی‌ها او را برای مصاحبه برگزید. مرحوم ابراهیم درخشان (ابریمی‌آسا سفر)، مرحوم حاج نمکی تدین‌راد خوش‌سخن و دوست داشتنی و مرحوم محمد بهروز (بابا محمد) بابای مدرسه ابتدایی ما شخصی خوش مشرب که هنوز تکه کلام‌ها و شیرین کاری‌هایش دریادها باقی است.

گهگاه، نشست‌هایی درباره گویش سیوندی با حضور نگارنده در سالن اجتماعات سیوند برگزار می‌شود. چندین سال است که در این نشست‌ها مردم را به حفظ و ادامه این زبان و شاعران محلی را به سرودن با زبان سیوندی تشویق می‌کنم. خوشبختانه مردم به ویژه جوانان به اهمیت آن پی برده و حتی جوانانی که از کودکی با آن‌ها فارسی سخن گفته‌اند و سیوندی را با لهجه تلفظ می‌کنند، با اشتیاق فراوان به تصحیح لهجه خود می‌پردازند. بر خلاف سال‌های گذشته که مرسوم بود در سخنرانی‌ها با زبان فارسی سخن می‌گفتند، این رویه را تغییر داده و نزد با زبان سیوندی در نشست‌ها سخن می‌گویم. از افراد کهنسال در این گردهمایی‌ها دعوت می‌شود. چندین نفر از عزیزان شرکت کرده و هر بار، تنها در یک تعدادی از واژگان و اصطلاحات را با مقایسه تلفظ آن‌ها با جوانان مورد بحث قرار می‌دهم. همین‌جا لازم می‌دانم که از این بزرگان که با علاقمندی شرکت می‌کنند، آقایان - حاج رسول داوطلب، حاج جلیل کارگر، حاج محمود عبدالحی، حاج غلامحسین وفایی، حاج غلام نوروزی، حاج آقا میرزا نوروزی، عباس شیخ‌الهی، حاج سید احمد اسحاقی و اعضای محترم شورای اسلامی سیوند به ویژه حاج محمد کاظم‌پور و مهندس امیر محمد راستی و نیز جوانانی که با یادداشت و ارسال تعدادی از ضرب‌المثل‌ها با نگارنده همکاری می‌کنند، آقایان: علی محمد محبتی، علی رفیعی، جعفر یوسفی (فرزند عمو احمد) حسین محمودی، محمد نصیری، جلال جلالی، جمال جلالی، رسول بهمنی، احسان رضایی و خانم‌ها: لیلا حقیقت، فاطمه بشارت، دردانه حاصل‌پور، پروین روستاپور، فاطمه روستاپور، ناهید عبدالحی، فریده تدین، مریم دشت‌پیما و دیگر عزیزان تشکر و قدردانی کنم.

لازم به یادآوری است که من تجربه و تخصصی در زبان‌شناسی ندارم. تنها

به دلیل مطالعه متون قدیمی، واژه‌نامه‌های سراسر ایران، به ویژه واژگان گویش‌های خویشاوند با سیوندی و معاشرت با استادان زبان و ادبیات است که گاه واژگانی را یکسان دیده‌ام و بعضی دیگر را دارای شباهت‌های بسیار با واژگان باستانی یافته‌ام و به همین دلیل با «شاید»، «ممکن است» و ... در گوشه و کنار آثار خود مطرح نموده‌ام. واضح است که اظهارنظر تخصصی و فنی بر عهده زبان‌شناسان است.

از استادان گرامی جناب آقای دکتر کرمی و اعضای قطب علمی فرهنگی دانشگاه شیراز، ویره جناب آقای دکتر کاووس حسینی و جناب آقای فرزاد نوروزی که با همکاری و راهنمایی‌های بی‌دریغ شان یاریگر نگارنده هستند، تشکر و قدردانی می‌کنم. همچنین از مدیر و کارکنان بنیاد فارس‌شناسی، جناب آقای دکتر منصور طبعی، حبیب جوی، زاله بردبار و محمد حسین رحمانی سپاسگزارم.

سین آزاده

۹۵